

کابوس گروگان گیری در مسکو!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

شامگاه روز چهارشنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۰۲، در حالی که سالن تئاتری در مسکو، مملو از جمعیت بود، گروهی از چریک‌های اسلامی چچن، وارد این سالن شدند و حاضرین در آن را به گروگان گرفتند. خبرگزاری‌ها، تعداد گروگان‌ها را حدود ۸۰۰ نفر اعلام کردند.

گروگان‌گیرها، عمل وحشیانه و غیرانسانی خود را با تیراندازی هوایی آغاز کردند و گفتند که مقدار زیادی مواد منفجره در سالن تئاتر کار گذاشته‌اند؛ و همچنین به بدن خودشان نیز مواد منفجره بسته‌اند. این گروه اسلامی، دلیل این عمل‌شان را اشغال چچن از سوی ارتش روسیه نامیدند و خواهان پایان دادن به جنگ روسیه علیه چچن و خروج نیروهای نظامی آن کشور، از چچن شدند. همچنین گروگان‌گیرها در دو گروه توریست‌ها و کودکان را آزاد کردند. بدنبال این واقعه نیروهای ویژه ضدترور روسیه تئاتر را در محاصره گرفتند و کابوس وحشت تمام مسکو را فراگرفت.

سرانجام سحرگاه روز شنبه ۲۶ اکتبر ۲۰۰۲، نیروهای ویژه امنیتی روسیه، به ساختمان تالار حمله کردند و با استفاده از نوعی گاز رخوت‌آور و تیراندازی، تالار تئاتر را که حدود ۷۰۰ نفر در آن گروگان بودند، را به تصرف خود درآوردند.

پس از این عملیات ولادیمیر واسیلیف، معاون وزارت کشور روسیه، اعلام کرد که در عملیات نیروهای ویژه روسی، برای نجات چند صد گروگان در یک تالار نمایش در مسکو، شصت و هفت نفر از گروگان‌ها کشته شده‌اند و بیش از هفتصد و پنجاه تن از آن‌ها نجات یافته‌اند و برای معالجات پزشکی به بیمارستان‌ها انتقال داده شده‌اند. وی همچنین افزود که سی تن از گروگان‌گیرها از جمله موسر بارایف، رهبر آنان نیز کشته شده‌اند.

پزشکانی که مصدومین را معالجه می‌کنند، وضع آنان را وخیم اعلام کرده‌اند و گفته‌اند که نوع گاز به کار رفته ناشناخته و خطرناک است. از این رو احتمالاً بر تعداد کشته شدگان افزوده خواهد شد.

دو روز پس از پایان گروگان‌گیری، خبرگزاری‌ها اعلام کردند که تاکنون ۵۴ زن و ۶۳ مرد، یعنی جمعا ۱۱۸ نفر از گروگان‌ها جان خود را از دست داده‌اند. همچنین تعداد گروگان‌گیرهایی که کشته شده‌اند ۵۰ اعلام شده است که ۱۸ نفر از آن‌ها زن بوده‌اند. در حال حاضر، ۶۴۶ نفر، از

گروگان‌ها در بیمارستان‌ها بستری هستند. یکی از مصدومین حادثه در مصاحبه‌ای با تلویزیون روسیه گفته است که نمی‌تواند نام خود را به خاطر بیاورد.

اکنون این بحث‌ها مطرح است که گروگان‌ها و گروگان‌گیرها در حالی که در اثر استنشاق گاز قوی در حال اغما بودند، چگونه به قتل رسیده‌اند؟ همچنین گاز کشنده‌ای که به کار رفته است، چه نوع گازی است؟ دولت روسیه، به دلیل این که از افشای نوع دقیق گاز خودداری می‌کند، امر معالجه مصدومین را برای پزشکان معالج سخت‌تر ساخته است.

آندری سلنسوفسکی، مسئول کمیته شهر مسکو، طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «تنها یک تن از قربانیان در نتیجه اصابت گلوله به وی کشته شده و باقی قربانیان در نتیجه گازی که در جریان حمله به سالن، مورد استفاده سربازان قرار گرفته، کشته شده‌اند. بدین ترتیب اطلاعات منتشر شده از سوی مقامات روسیه در رابطه با این حادثه خونین ضد و نقیض است.

پزشکان غربی، که تعدادی از گروگان‌ها را مداوا می‌کنند، گفته‌اند که بر خلاف شایعات اولیه، گاز مورد استفاده از نوع گاز اعصاب نبوده است. به نظر آنان، در این گاز مواد افیونی به کار برده شده است که استفاده مقادیر زیادی از این مواد افیونی باعث بی‌هوشی و در نهایت، مرگ می‌شود.

در حالی که دولت روسیه، یک هفته اعلام عزای عمومی کرده است، اما علی‌رغم آن مردم این کشور، به ویژه نزدیکان قربانیان این حادثه، به شدت از عملکرد دولت خشمگین هستند. چرا که نیروهای ویژه امنیتی، در حمله به سالن نمایش، از گاز خطرناکی استفاده کرده‌اند که عملاً باعث قتل گروگان‌ها شده‌اند.

تاریخ کشمکش روسیه و چین، تاریخ طولانی در حدود ۳۰۰ ساله دارد. بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، چین‌ها نیز به حق تعیین سرنوشت رسیدند و در سال ۱۹۳۴، جمهوری چین، با جمهوری اینگوش، دولت ائتلافی تشکیل داد. اما در مقطع جنگ جهانی دوم، استالین چین‌ها و اینگوش‌ها را متهم به همکاری با آلمان نازی کرد و بخشی از مردم این جمهوری‌ها را به نقاط دیگر، از جمله قزاقستان، تبعید کرد و جمهوری آنان را نیز منحل ساخت.

پس از جنگ جهانی دوم، یعنی در سال‌های ۱۹۵۷ چین‌ها و اینگوش‌های تبعیدی مجدداً اجازه یافتند که به کشور خود برگردند و جمهوریت خود را در چهارچوب شوروی نیز مجدداً احیا کنند. اما، پس از فروپاشی شوروی، در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱، ژنرال جاهاار دودایف را به ریاست جمهوری چین، رسید. ژنرال دودایف، در همین سال استقلال چین را از روسیه اعلام کرد. اما او، در سال ۱۹۹۲، قرارداد پیوستن به فدراسیون روسیه را امضا کرد. در سال ۱۹۹۳، دودایف، پارلمان آن

کشور را منحل ساخت و جنگ داخلی در این کشور، شدت یافت. اولین نیروهای انتظامی روسیه در سال ۱۹۹۴، وارد چین شدند. دودایف، در سال ۱۹۹۶، در اثر بمباران‌های روسیه کشته شد. گفته می‌شود در اثر جنگ داخلی و حملات ارتش روسیه ۵۰ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند و حدود ۴۰۰ هزار نفر نیز مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند. بخشی از این آوارگان که به روسیه رفته‌اند، با تبلیغات و برخوردهای راسیستی مقامات روسیه روبه‌رو شده‌اند. در سال ۱۹۹۵، در حالی که طرفین پیمان صلح امضا کردند، اما جنگ داخلی که عمدتاً توسط گروه‌های اسلامی با حمایت عربستان سعودی، ایران، آمریکا و غیره ادامه می‌یابد از یک طرف، و حملات مداوم ارتش روسیه از طرف دیگر، سبب شده است که مشکلات و معضلات و درد و رنج مردم این کشور، روزبه‌روز افزایش یابد که در این میان بیش‌ترین آسیب‌ها را مردم محروم و ستم‌دیده این جمهوری، متحمل می‌شوند. در همان سال نیز چریک‌های اسلامی چین، دست به گروگان‌گیری در روسیه زده بودند.

سرانجام در سال ۱۹۹۹، ارتش روسیه وارد چین شد و آن کشور را مجدداً به اشغال خود درآورد. از آن تاریخ ارتش روسیه، به طور مداوم، حملات وحشیانه‌ای را علیه شهرها و روستاهای چین، می‌کند که در اثر این حملات، تعداد بی‌شماری از مردم غیرنظامی به قتل رسیده است. غرب و جوامع بین‌المللی مانند سازمان ملل، به دلیل ملاحظات و منافع اقتصادی و سیاسی‌شان، عملاً چشم خود را ربه این همه وحشی‌گری ارتش روسیه در چین بسته‌اند. در چنین وضعیتی مردم چین، قربانی رقابت و معاملات دولت‌ها، حملات سنگین ارتش روسیه و تحرک گروه‌های تروریستی اسلامی شده‌اند.

بعد از این واقعه خونین، ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه، گفته است که به ارتش این کشور اختیارات جدیدی داده است که با تروریسم مقابله کند. خبرگزاری روسی اینترفاکس به نقل از مقامات نظامی روسیه، گزارش کرده است که در عملیاتی در گروزنی، پایتخت چین، تقریباً سی تن از شورشیان کشته شده است. این اولین حملات ارتش روسیه، بعد از واقعه گروگان‌گیری در مسکو است. در این میان مسقودوف، یکی رهبران چین، اعلام کرده است که آماده است به منظور یافتن یک راه حل سیاسی برای بحران چین، بدون هیچ پیش شرطی با مقامات روسی ملاقات و گفت‌وگو کند. مسقودوف، در انتخابات سال ۱۹۹۷، به ریاست جمهوری چین انتخاب شده بود. شکی نیست که با سیاست‌های سرکوبگرانه و جنگی دولت روسیه، علیه چین، بشریت باز هم به احتمال قوی با کابوس‌های وحشتناکی نظیر گروگان‌گیری اخیر مسکو و ترور، روبه‌رو خواهد شد. مسلمان، گروگان گرفتن مردم غیرنظامی و بی‌گناه برای رسیدن به اهداف سیاسی و غیره از سوی هر

جریانی صورت بگیرد عملی غیرانسانی و وحشیانه است که بدون کم‌ترین درنگی باید محکوم شود. همچنین بمباران شهرها و روستاهای چچن و به خاک و خون کشیدن مردم این کشور، توسط ارتش روسیه و ک ژب، هم عملی تروریستی و وحشیانه است و به علاوه ابعاد ضایعات انسانی و اقتصادی و اجتماعی آن بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از عملیات تروریستی و گروگان‌گیری است که در محکوم کردن آن نیز نباید درنگ کرد.

اگر این عمل غیرانسانی گروگان‌گیری در مسکو، را چریک‌های اسلامی چچن، به طور غیرانسانی آغاز کردند، اما در عین حال نیروهای ویژه امنیتی روسیه نیز، به دستور مقامات این کشور، آگاهانه و عامدانه به درون سالنی که نزدیک به هشتصد نفر در آن بودند، گاز افیونی خطرناک و کشنده‌ای را وارد کردند که در اثر استنشاق این گاز، نزدیک به ۱۷۰ نفر، جان خود را از دست دادند. این عمل در کلیت خود، عملی جنایت‌کارانه و وحشیانه است. اما اگر، علل و ریشه‌های تاریخی این جنایت را مورد بررسی قرار دهیم، احتمالاً به این نتیجه می‌رسیم که عامل اصلی چنین وقایعی، در عملکرد و سیاست‌های خود دولت روسیه نهفته است. تروریست‌های اسلمی، مردمی را که به تماشای تئاتر رفته بودند، به گروگان می‌گیرند تا به اهداف خود برسند. آقای ولادیمیر پوتین، به فکر انتقام می‌افتد و بلافاصله دستور کشتار مردم چچن را صادر می‌کند. این سنارهای سیاه طرفین سال‌ها ست که ادامه دارد و بیش‌ترین ضربات و تلفات به مردم عادی و کودکان و زنان وارد می‌شود.

امروز عامل اصلی ناامنی جهان، از تروریسم، شکنجه، اعدام، راسیم و جنگ و کشتار گرفته تا ستم بر زنان، بی‌حقوقی کودکان، استثمار انسان از انسان و هرگونه تبعیض و تحقیر انسان، ریشه در سیاست‌های وحشیانه نظام سرمایه‌داری از روسیه تا آمریکا و از انگلستان تا جمهوری اسلامی دارد. همچنین دار و دسته‌های تروریست اسلامی، از حماس تا چریک‌های اسلامی چچن و از طالبان و بن‌لادن تا رژیم جمهوری اسلامی و عربستان نیز دست پرورده همین نظام سرمایه‌داری و حکومت‌هایشان است.

بدین ترتیب، راه حل خاتمه دادن به اعمال وحشیانه و غیرانسانی نظیر گروگان‌گیری اخیر در مسکو، این است که هر چه سریع‌تر نیروهای ارتش روسیه از چچن خارج شوند و به جنگ و اشغال این کشور خاتمه دهند تا مردم محروم و ستم‌دیده و کارگران و آزادی‌خواهان چچن، با حاکم شدن بر سرنوشت خویش، دست‌دار و دسته‌های تروریستی اسلامی را نیز از دخالت در امور اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه‌شان کوتاه کنند.

مسلم است که راه‌هایی واقعی بشر، از این همه مصائب و مشکلات، از طریق پیوستن به صفوف

مبارزه طبقاتی کارگران و کمونیست‌ها و تلاش متشکل و هدفمند در جهت سرنگونی نظام سرمایه‌داری و برپایی سوسیالیسم عملی است.

۲۹ اکتبر ۲۰۰۲